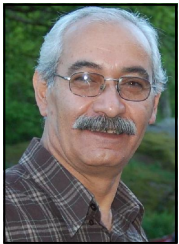


تنش و صف بندیهای جدید در میان احزاب حاکم بر کردستان عراق



عبدال گلپریان

اواسط ژوئن نوشیروان مصطفی رهبر گوران یا جنبش تغییر، در نشست با اعضا و کادرهای این جریان به این مسئله اشاره کرد که بر اساس توافقنامه اخیر با اتحادیه میهنی، آنان یعنی گوران و اتحادیه میهنی قصد دارند به تک روی خاتمه داده و کسانی که کردستان عراق را دچار بن بست و

صفحه ۳

ستم ملی، مسئله ملی و سیاست ما (۲)

دارد و چرا این مسئله بوجود آمده است؟



محمد آسگران

محمد آسگران: با نگاهی به اوضاع خاورمیانه هر ناظری میتواند متوجه بشود که مردم فلسطین و مردم کردستان با این مشکل مواجه هستند و حکومتهای سرکوبگر مانع حل این مسئله بوده اند. اینکه چرا مسئله ملی در این مناطق بوجود آمده است دلایل متفاوتی دارد. در فلسطین به دلیل سیاست اشغالگری دولت اسرائیل و جدالی خونین که چندین دهه است ادامه دارد و در بخشهای مختلف کردستان به دلیل وجود ستم ملی و جدال ناسیونالیستهای طرفین، مسئله ملی خلق شده است. در فلسطین و کردستان عراق اوضاع بغرنج و پیچیده است. سیاست ما برای حل مسئله ملی و برای ریشه کن کردن تفرقه ملی در این دو منطقه تشکیل دولت و کشور مستقل است و این

صفحه ۲

چه تضمینی هست که فردا و فرداها اتفاقات بغرنجی در جریان نباشد؟



نسان نودینیان

۳۱ خرداد روزنامه «وطن امروز» در ارتباط با تور شبکه های اجتماعی تیتیر زده و نوشته: «چه تضمینی هست که فردا و فرداها اتفاقات بغرنجی در جریان نباشد؟» روزنامه وطن نوشته: «تجمع برای آب بازی، تجمع برای خربازی (!)، تجمع برای اعتراض به

بود که جوانان و نوجوانان دهه صفحہ ۵

اخبار هفتگی از رویدادهای کردستان عراق



یدی محمودی

دادگاهی در اربیل حکم دستگیری نوشیروان مصطفی را صادر کرد!
بر اساس گزارشهای منتشر شده روز پنجشنبه ۱۶ ژوئن دادگاهی در شهر اربیل حکم دستگیری نوشیروان مصطفی رهبر و بنیانگذار جنبش گوران را صادر کرد. با صدور این حکم جنگ

صفحه ۸

Free
Jafar Azimzadeh!
Labour Activists
جعفر عظیم زاده را آزاد کنید!

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۴

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

یادداشتهای هفته / عبدال گلپریان

اقدامی قابل تحسین در کار هنری

دو روی یک سکه در ضدیت با مهاجرین عراقی

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ ستم ملی، مسئله ملی و ...

کشوری انسانهاست.

۳. ستم ملی، تبعیض بر مبنای انتساب انسانها به ملیتهای مختلف، یکی از جلوه‌ها و اشکال مهم نابرابری انسانها در جامعه طبقاتی است و باید برچیده شود. محو ستم ملی و تضمین برابری همه انسانها مستقل از تعلقات ملی یک هدف مستقیم جنبش کمونیستی طبقه کارگر است.

اینها اساس موضع کمونیسم در قبال ملت و ملی‌گرایی و ستم ملی را تشکیل میدهند.

ایسکرا: ناسیونالیستها و رهبران و متفکرین جنبشهای ملی مرتب در حال تاریخ سازی و برجسته کردن پیشینه تاریخی خود هستند که ریشه خود را به چند هزار سال قبل میرسانند شما در این مورد چه فکر میکنید و سیاست درست کدام است؟

محمد آستگران: این خاصیت و ویژگی جنبشهای ملی و مذهبی است. کسانی که امروز چیزی نو و قابل دفاع و مدرن راه گشا برای گفتن نداشته باشند مثل مذاهب ریشه خود را به آدم و حوا میرسانند و موجود موهومی به اسم خدا خلق میکنند. رهبران و متفکرین جنبشهای ملی هم برای حقانیت خود دست به افسانه سازی و از این راه پیشینه تاریخی و افلاطونی خود را برجسته میکنند که حقانیت وجودیشان را اثبات کنند.

برای درک همین تزه‌های فوق هم لازم است مختصراً به تاریخ پیدایش ناسیونالیسم و جنبشهای ملی بپردازیم. واقعیت این است که ناسیونالیسم و جنبشهای ملی حاصل دوران سرمایه داری هستند.

ناسیونالیسم یک ایدئولوژی بورژوازی است. ناسیونالیسم یک جهان بینی معین طبقات دارای جامعه است که به شهروندان تسری داده شده است. همانند مذهب ارثی است. کسی که در یک خانواده منتسب به ترک، عرب، کرد، آلمانی و ... متولد شده باشد بدون اختیار و انتخاب خودش به ملیت ترک و عرب و کرد و آلمانی و ... منتسب میشود. ناسیونالیسم از این زاویه حتی بدتر از مذهب است، نمیشود به شکل ظاهری هم

شده از آن بیرون رفت. توقی است که به گردن هر شهروند انداخته شده و ظاهراً گویا بسیار عادی و قابل قبول احاد مردم است. در حالیکه بجز اسلام که بیرون رفتن از آن ممنوع و حکم مرتد و مرگ را به دنبال دارد از دیگر مذاهب میشود دست کشید و اعلام کرد که دیگر به آن مذهب تعلق ندارید.

در مورد ملیت و ناسیون این امر ممکن نیست. اجباری است بچه به حکم متولد شدن در یک خانواده معین که به ملیتی منتسب شده است به شکل ارثی نسل اندر نسل آن ملیت را باید یدک بکشد. برای مثال یک مسیحی از فردا میتواند مذهب دیگری داشته باشد یا اصلاً بی مذهب باشد. اما همین مسیحی نمیتواند ملیت خودش را تغییر بدهد. به یک معنا میتواند گفت مسئله ملیت و ناسیون را به خون و نژاد وصل کرده اند و انگار دی. ان. ای. ژن هر ملیتی تعیین شده است و نمیتوان از آن فاصله گرفت و تغییر داد. این شاید یکی از بزرگترین حماقتهای تاریخی است که به بشر حلقه شده است.

اما جنبشهای ملی مثل هر پدیده دیگری تاریخی دارند و باید این تاریخ را شناخت تا درک عینی تر و زمینی تری از این پدیده تاریخی پیدا کرد. جنبشهای ملی در دوره های مختلف اهداف سیاسی و اقتصادی معینی برای خود تعریف

کرده اند. با مشاهده تاریخ جنبشهای ملی عمدتاً ما با سه دوره مواجه میشویم. یک دوره با رشد سرمایه داری به حکم نیاز سرمایه و پیدا کردن بازار و قانون مند کردن سیستم بورژوازی در تقابل با سیستم ماقبل سرمایه و رقابت اهداف جنبشهای ملی عمدتاً اقتصادی و گسترش بازار تعریف شده است.

برای رسیدن به این هدف مسئله دولت ملت را مطرح کرده اند. اگر چه هیچوقت به دولت ملت پایبند نبوده اند. اما در این دوره موضوع تشکیل دولتهای "ملی"، "اقتصاد ملی"، "بازار ملی"، "سرمایه و فرهنگ ملی" و ... رواج پیدا میکند. این نوع جنبشهای ناسیونالیستی و هویت ملی دادن به شهروندان و دولت سازها عمدتاً در کشورهای غربی خود را نشان داده است.

اما در کشورهای دیگر مانند آسیا و آفریقا جنبشهای ملی عمدتاً در اواخر قرن ۱۹ و عمدتاً در قرن بیست به شکل جنبشهای ضد استعماری یا به میدان گذاشتند. این اتفاق هم همزمان و یا متعاقب تضعیف سیستم فئودالی و عروج سرمایه داری است. در این دوره جنبشهای ملی عمدتاً ضد استعماری و برای رهایی از زیر سلطه استعمارگران و به قول خودشان رهایی کشور به عنوان کشورهای مستقل یا خروج از زیر سلطه

استعمار خود را نشان داد. از اواسط قرن بیست میلادی به بعد جنبشهای ملی عمدتاً جنبشهای هستند که بر محور زبان و فرهنگ شکل گرفته اند. برخلاف دو دوره قبل جنبشهای ملی در دوره سوم و تا به امروز ماهیت اقتصادی ندارند. زیرا در دوره اول جنبشهای ملی و ملت سازی اساساً بر محور بازار مشترک و تشکیل دولت مستقل و مقتدر جریان داشت و در دوره دوم ضمن ماهیت اقتصادی آن و تصاحب "منابع ملی خود و برای خود" باید از زیر یوغ استعمارگران خلاص میشدند. در این دوره آخر جنبشهای ملی عمدتاً در مقابل ستم ملی و برای رهایی از زیر سلطه قدرتهای مرکزی و ستمگر و سهم خواهی بورژوازی محلی شکل گرفته اند.

به همین دلیل مسئله "قوم خود و زبان خود و فرهنگ خود" و بلاخره "ملت خود" منافع ملی ملت تحت سلطه به پرچم جنبشهای ملی تبدیل شد. به همین دلیل اگر هنگام ملت سازی در فرانسه زبان نقش اصلی را نداشت و عمدتاً سرزمین ملاک آن بود در دوره سوم ملت سازی بر محور زبان مشترک تعریف شده است و به همین دلیل جنبشهای ملی در این دوری اساساً قومی هستند.

ادامه دارد

سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

از صفحه ۱ تنش و صف بندیهای جدید...

بلافاصله واکنش نشان داد و طی اطلاعاتی ای اعلام کرد که نوشیروان مصطفی باید هرچه زودتر خود را به دادگاه عالی کردستان در شهر اربیل معرفی کند و بنا به آنچه که این اطلاعاتی بدان اشاره کرده است، نوشیروان مصطفی بدلیل سخنانی که در پاییز ۲۰۱۵ مبنی بر حمله به سفارتخانه دولتها در اربیل و کشتن صاحبان کمپانیهای خارجی بیان کرده است باید در مقابل دادگاه پاسخگو باشد. نوشیروان احضار خود به دادگاه را غیرقانونی اعلام کرده و این اقدام را تصویب حساب سیاسی و حزبی نام نهاده است و اینکه دادگاه وابسته به حزب دمکرات است و هیچگونه استقلال قانونی و عملی ندارد. مدرک دادگاه نیز ضبط سخنانی از نوشیروان مصطفی است که در پاییز ۲۰۱۵ از طریق شنود در دفتر کارش جاسازی شده بود.

برای خوانندگان این سطور که ممکن است پیرامون تحولات، دعوا و مشاجره احزاب رقیب حاکم بر کردستان عراق، بحران و بن بست این احزاب و همچنین رویگردانی مردم از آنان بعنوان بانی و مسبب وضع موجود آشنایی کمتری داشته باشند اینجا بطور مختصر به این صف بندیها از نقطه نظر توازن قوای پارلمانی اشاره ای خواهم کرد چرا که تصویری از صف بندی و توازن قوای دعوای کنونی این احزاب و تقالهای امروزشان برای برون رفت از بن بست که در آن قرار گرفته اند را نیز بدست میدهد.

پارلمان کردستان عراق که از اکتبر ۲۰۱۵ بدستور حزب دمکرات مسعود بارزانی تعطیل شده است دارای ۱۱۱ کرسی است که بترتیب حزب دمکرات ۳۸ کرسی، گوران که در سال ۲۰۰۹ از اتحادیه میهنی جدا شد ۲۴ کرسی، اتحادیه میهنی ۱۸ کرسی، جمعیت اسلامی ۱۰ کرسی، جنبش اسلامی، اسلامی ۶ کرسی و ترکیب ترکمانی، مسیحی سوسیالیست که مجموعاً ۱۲ گروه می باشند هر یک به تناسب ۱ یا ۲ کرسی (مجموعاً ۱۵ کرسی) را در اختیار دارند. در تقسیم قدرت بین سه حزب اصلی (حزب دمکرات، گوران و اتحادیه میهنی)، رئیس

حکومت اقلیم کردستان و نخست وزیر از حزب دمکرات مسعود بارزانی، رئیس پارلمان و چهار وزیر از جنبش گوران و از اتحادیه میهنی رئیس جمهور عراق و چند وزیر دیگر هستند که در توافق بین این سه حزب این تقسیم قدرت در سطح بالایی صورت گرفته است. علاوه بر این در سطح وزیران، استانداران و دیگر نهادهای پایینتر نیز همین توازن تقسیم قدرت بین این سه حزب وجود دارد و پستیهای هم به احزابی که کرسی کمتری دارند داده شده است.

در طول دوران حاکمیت این احزاب بر کردستان عراق تقابل و درگیریهایی تا حد جنگ مسلحانه با همدیگر بر سر موقعیت در قدرت روی داده است که پیشینه آن مورد بحث این نوشته نیست اما بدنبال اعتراضات و ناراضیتهای معلمان، کارمندان و حقوق بگیران در کردستان عراق در پاییز ۲۰۱۵، مردم و جوانان در شهر سلیمانیه، دهوک و چند شهر دیگر به مراکز متعلق به حزب دمکرات کردستان وابسته به مسعود بارزانی حمله کردند و این مراکز را به آتش کشیدند. در جریان این وقایع نیروهای مسلح حزب دمکرات نیز بسوی معترضین تیراندازی کردند و چندین نفر کشته و زخمی شدند. حزب دمکرات کردستان عراق حزب گوران و شخص نوشیروان مصطفی رهبر آترا بعنوان بانی و محرک اعتراضات و حمله به دفاتر خود معرفی کرد و از آن تاریخ به بعد علاوه بر رئیس پارلمان و چهار وزیر دیگر کابینه که وابسته به حزب گوران بودند از کار برکنار و عملاً پارلمان را تعطیل کرد. این در حالی اتفاق افتاد که مدت زمان ریاست مسعود بارزانی بعنوان رئیس حکومت نیز پایان رسیده بود. مسعود بارزانی در حالی حکم به تعطیلی پارلمان و اخراج چهار وزیر گوران داد که بنا به توافق بین خودشان، مدت زمان پست ریاستش بر اقلیم کردستان عراق خاتمه یافته بود. مخالفین حزب دمکرات مسعود بارزانی میگویند: "یک عنصر نامشروع پارلمان مشروع را بر احمی به تعطیلی کشانیده است". حزب دمکرات مسعود بارزانی

از بدو قرار گرفتن در راس امور مهمترین پستیهای حکومتی از جمله "رابط خارجی، فرماندهی نیروی های مسلح پیشمرگ، امور اقتصادی و دارایی، امور قضایی و برخی دیگر از عرصه های مهم داخلی و خارجی را در دست خود دارد. بعد از امضای توافقنامه بین گوران و اتحادیه میهنی بتاريخ ۱۷ مه ۲۰۱۶، حزب دمکرات کردستان عراق این توافقنامه را علیه خود ارزیابی کرد و به آن واکنش نشان داد. اتحادیه میهنی و گوران نیز در راستای مفاد توافقنامه شان با تشکیل هیئت مشترکی از هر دو طرف بر مبنای این توافقنامه و بمنظور جلب حمایت و گفتگو در میان دیگر احزاب پارلمانی به رایزنی با آنان پرداختند. احزاب دیگر نیز از آنجا که بدرجائی موافق یکه تازی حزب دمکرات نیستند اما این ملاقاتها علاوه بر حمایت ضمنی از این توافقنامه، اعلام کرده اند که موافق جبهه بندی در هیچکدام از دو سوی طرفهای درگیر نخواهند بود. فعلاً تنها حزبی که هنوز با آن دیدار و گفتگو صورت نگرفته است حزب دمکرات مسعود بارزانی است. حزب دمکرات دیدار با هیئت دو طرف گوران و اتحادیه میهنی را بشرطی می پذیرد که گوران پست رئیس پارلمان را به اتحادیه میهنی واگذار کند. گوران نیز نه تنها این شرط را قبول ندارد بلکه همصدا با اتحادیه میهنی و دیگر احزاب اسلامی خواستار فعال کردن پارلمان با همان ترکیب توافق شده قبلی است و همزمان کش پیدا کردن مدت زمان غیرقانونی ریاست مسعود بارزانی را نیز زیر سؤال میبرد. هدف گوران و اتحادیه میهنی از این تلاشها بقول خودشان پایان دادن به تک روی حاکمیت از سوی حزب دمکرات است و این را تلویحاً اعلام میکنند. روز دوشنبه بیستم ژوئن هیئتی سه نفره از سوی اتحادیه میهنی میزبان نمایندگان کونسولگریهای کشورهای خارجی در اربیل بود. این هیئت در این نشست از آنان درخواست کرده است که در بحران موجود در حکومت اقلیم کردستان دخالت کرده و به حزب دمکرات و مسعود بارزانی فشار آورند که برای حل بحران و بن بست موجود کوتاه بیاید.

مسئله مربوط به توافق نامه

بین گوران و اتحادیه میهنی روزنه ای برای خاتمه دادن به بن بست و بحران درونی این دو حزب نیز هست. اتحادیه میهنی تا قبل از امضای این توافقنامه به سه جناح در داخل خود تبدیل شده بود و نه تنها توان تشکیل کنگره ای برای تعیین تکلیف وضعیت داخلی حزب را نداشت بلکه با ۱۸ کرسی پارلمانی و افت شدیدی که دامنگیر اتحادیه میهنی شده بود به بن بست کاملی رسیده بود. حزب گوران نیز چنین سرنوشتی در انتظارش بود و اگر این توافقنامه در آرا نمی بود این احتمال وجود داشت که حزب دمکرات مسعود بارزانی محدودیتهای بیشتری تا سطح شاخ و شاخ شدن با گوران را در پیش بگیرد. در حال حاضر گوران و اتحادیه میهنی با امضای این توافقنامه خود را پیروز میدان احساس میکنند. از یک سو بحران درونی خود را فعلاً بطور موقت کاهش داده اند و این افق را برای خود ترسیم کرده که در آینده مجدداً به یک حزب تبدیل شوند و از سوی دیگر با بکار افتادن پارلمان بعنوان وزنه ای با ترکیب ۴۲ کرسی پارلمانی در مقابل حزب دمکرات کردستان عراق با ۳۸ کرسی به رقابت بپردازند. از هم اکنون نیز گوران و اتحادیه میهنی در تلاش برای پیشبرد مفاد توافقنامه امضا شده سرگرم اقداماتی همچون، جلب احزاب دیگر بسوی خود برای توازن قوای پارلمانی و ایجاد ائتلاف بین خود چه از طریق فراکسیونهای مشترک در پارلمان عراق و هم از طریق پارلمان کردستان هستند.

با توجه به آنچه که اشاره شد حکومت اقلیم کردستان عراق و احزاب تشکیل دهنده این حکومت سالها است که با بن بست و بحران لاینحلی روبرو میباشد. قبضه کردن مهمترین پستها و موقعیتهای حکومت در دست حزب دمکرات، گذشت نزدیک به یک سال از پایان دوره ریاست مسعود بارزانی، تعطیل شدن پارلمان کردستان عراق و اخراج رئیس پارلمان و چهار تن از وزرای گوران و مهمتر از همه اینها کنترل و قبضه شدن امور مالی و اقتصادی کردستان عراق در دست افراد وابسته به هر یک از این احزاب بویژه خانواده بارزانی آنهم تا جاییکه مسئولین این احزاب هر یک بتنهایی صاحب چاههای نفت هستند و به اختیار

خود مشغول فروش نفت و کسب درآمدهای میلیاردری و نجومی هستند. گوران و اتحادیه میهنی احساس میکنند با توجه به اینکه هر دو حزب رویم ۴۲ کرسی پارلمانی دارند اما سهم آنان از ثروت و سامان و پستیهای حکومتی در کردستان عذاق نسبت به حزب دمکرات که بتنهایی ۳۸ کرسی در پارلمان دارد بسیار کمتر است.

بزعم گوران و اتحادیه میهنی، امضای توافقنامه مشترک بین آنان ضمن خروج از بحران و بن بست درونی حزبهایشان، میتواند بعنوان استراتژی نهایی، موقعیت و توازن قوای سیاسی در قدرت و پستها را جبران کنند و هم اینکه سهم آنان از این درآمدهای نجومی کمتر از حزب دمکرات نباشد.

در بهترین حالت و حتی در صورت توافق بین همه احزاب در پارلمان بر سر تقسیم سهم و قدرت، باز هم حکومت اقلیم کردستان عراق نخواهد توانست مصائب، مشکلات و معضلات زندگی میلیونها نفر از مردم کردستان عراق را پاسخ دهد. حرف سران هر یک از احزاب و نمایندگان پارلمان بسوی یکدیگر مملو از افشاکاری و متهم کردن یکدیگر به غرق شدن در فساد در راس حکومت و دیگر لایه های نهادهای مختلف دولتی و در میان مسئولین بالا است. به این تصویر باید عدم پرداخت حقوقهای معوقه، کمبود شدید امکانات نظیر، آب، برق و دیگر تسهیلات رفاهی در میان اکثریت عظیم مردم، فرار جوانان بعلت بیکاری و فقر به کشورهای غربی و دهها معضل دیگر را باید اضافه کرد.

مردم کردستان عراق تاریخاً از ستم ملی از سوی حکومت مرکزی در عراق رنج میبردند، با بقدرت رسیدن احزاب کنونی بر کردستان عراق بیش از دو دهه است از این ستم رهایی یافته اند اما طی همین مدت از سوی حکومت به اصطلاح خودی، با فلاکت عظیم تری که حکومت مرکزی اعمال میکرد مواجه شده اند. بدون شك راه برون رفت از وضع به بن بست رسیده و بحرانی کنونی نه در دست احزاب حاکم و رقیب بلکه در دست مردم کردستان عراق است. آنان میتوانند بدون در نظر گرفتن معامله گریهای

نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینیان، نسرین رمضانلی



مرگ سه کاسبکار بر اثر شلیک نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی

۳۰ خرداد در مسیر جاده مریوان - سقز، ۳ کاسبکار بر اثر شلیک مستقیم نیروهای مسلح حکومتی جان خود را از دست دادند. هویت یکی از جانبازان، یحیی خسروی ۳۱ ساله اهل روستای "کانی پری" اعلام شده است.

عملیات گودبرداری جان ۲ کارگر را گرفت

۳۰ خرداد؛ ریزش صدها کیلو سنگ و کلوخ در اطراف يك کانال تصفیه‌خانه فاضلاب شهری در پناه در حین احداث کانال توسط بیل مکانیکی در زمین شهری پناه، دو کارگر بنام‌های محمدعزیز منوچهری اهل جوانرود و مختار عزیزی اهل روانسر جان خود را از دست می‌دهند.

تجمع تعدادی از کارگران نساجی شین بافت سنج

بر اساس گزارش رسیده تعداد ۲۵ نفر از کارگران کارخانه نساجی شین بافت امروز با تجمع در مقابل اداره کار سنج، خواهان بازگشت به کار خود شدند. این کارگران که ۶ ماه قبل بوسیله کارفرما اخراج و برای دریافت بیمه بیکاری معرفی شده بودند؛ بعد از پایان این مدت، جهت پیگیری وضعیت کاری شان در مقابل اداره کار تجمع کردند. بر پایه این گزارش در جواب خواست بازگشت به کار کارگران، مسئولین اداره کار عنوان کرده‌اند که کارفرما در معرفی کارگران به بیمه بیکاری، دچار نوعی اشتباه شده و باید کارگران به مدت ۱۸ ماه به بیمه بیکاری معرفی می‌کرد. هم چنین گفته‌اند که نماینده کارفرما جهت پیگیری مشکلات کارگران در وقت مقرر، اقدام لازم به عمل نیاورده و باید مشکلات آنها در کمیسیون استان بررسی شود. این در حالی است که کارگران می‌گویند کارفرما

خواهان احضاریه رسمی و مکتوب از طرف دادگاه شده و اینگونه احضارهای تلفنی را خلاف قانون دانسته و آنرا رفتارهای خودسرانه تلقی کرده است. منبع: اتحادیه آزاد کارگران ایران

پیام همبستگی و اعلام حمایت بخشهای مختلفی از کارگران کردستان

جعفر عزیز در حالی که شما وارد پنجاهمین روز اعتصاب غذا شده اید و پنجاه روز مقاومت بر سر تحقق خواست انسانی ات که به اعتبار همین انسانی بودن خواستت موجهی از حمایت و همبستگی به گسترده‌گی جهان متمدن و مترقی بنیاد نهاد، را با تحمل دردها و مشکلات جسمی ناشی از اعتصاب غذا پشت سر می‌گذارید، ما کارگران از کردستان از دیاری که در ازای بیرون آوردن طلا از دل کوه هایش تنها فقر و فلاکت نصیبمان شده، از گوشه ای در درون خطوط حصار که ایران نام گرفته است و به خاطر حق خواهی (حق داشتن کار، حق دریافت به موقع دستمزدها و به طور کلی داشتن زندگی انسانی)، همان خواستهائی که شما در بیانیه مشترکتان با اسماعیل عبدی مطرح کرده اید به جرم مغل امنیت ملی شلاق می‌خوریم در حالیکه دزدیهای میلیاردری باندها و چپاول اموال عمومی با عناوین مختلف از جمله حقوقهای صدها میلیون تومانی مدیران در جریان است به طوری که وقاحت این دزدیها به حدی است که به سوژه و اهرمی برای رسوا کردن و از میدان بدر کردن رقبای تبدیل شده است، امروز به دیدار خانواده با استقامت شما آمده ایم تا پیام خود و اعلام همبستگی با شما را این بار از فاصله نزدیک تر اعلام کنیم. ما کارگران پشتبان شما و در کنار خانواده شما هستیم / شیت امنیتی نماینده جمعی کارگران نساجی کردستان

خلیل کریمی نماینده جمعی از کارگران ساختمانی کردستان منصور کریمی نماینده جمعی از کارگران گاز خانگی استان کردستان مظفر صالح نیا عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران هادی سلیمانی، هاشم رستمی، رفیق کریمی فعالین کارگری و به نمایندگی از بخشهای مختلفی از کارگران کردستان

۲۸ خرداد ۹۵
برگرفته از سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

نامه اعتراضی فدراسیون "ای گ مثال" آلمان به خامنه ای و روحانی

در حمایت از جعفر عظیم زاده و برای آزادی کارگران زندانی و لنگانگ لمب عضو هیئت اجرایی اتحادیه مثال آلمان بدنبال تماسهای شهنواز مرتب و مطلع شدن از آخرین وضعیت کارگران زندانی، در نامه ای خطاب به خامنه ای و روحانی به پایمال کردن حقوق انسانی و حقوق کارگران در ایران اعتراض کرده و خواهان آزادی کارگران زندانی از جمله جعفر عظیم زاده شده است. در قسمتی از این نامه که یک نسخه از آن برای ما ارسال شده، چنین آمده است: "من از طرف دو میلیون و دویست و سی هزار اعضای صنایع مثال، پارچه و لباس و چوب آلمان، این نامه را برای شما مینویسم. ما بزرگترین تشکل اتحادیه ای در جهان هستیم و ریاست اتحادیه جهانی ایندستری آل

"IndustriALL" را در اختیار داریم که ۵۰ میلیون کارگر را نمایندگی میکند. ما عمیقاً در مورد پایمال کردن حقوق کارگران در ایران نگران هستیم. من در مورد وضعیت سلامتی یکی از زندانیان سیاسی، جعفر عظیم زاده برایتان مینویسم که یک فعال کارگری شناخته شده و یکی از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا برای افزایش دستمزدهاست. او و اسماعیل عبدی یکی از فعالین شناخته شده معلمان، طی بیانیه مشترکی به مسائلی از قبیل امنیتی کردن و جرم محسوب شدن فعالیتهای اتحادیه ای و صنفی و تجمع و اعتصاب توسط کارگران و معلمان، اعتراض کردند. آقای عبدی با وثیقه آزاد شد، اما آقای عظیم زاده که از نوامبر گذشته دستگیر شده، فقط بخاطر فعالیتهای مسالمت آمیز و مشروع کارگری به شش سال زندان محکوم شده و محکومیت خود را میگذراند. او دست به اعتصاب غذای نامحدود برای عملی کردن خواستههای زده است که در راس آنها بررسی مجدد پرونده او و رد اتهام اقدام علیه امنیت ملی قرار دارد "در این نامه همچنین اشاره شده است که

شمار دیگری از فعالین کارگران و معلمان از جمله بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، علیرضا هاشمی، رسول بدقی، مهدی بهلولی، عثمان اسماعیلی و محمد رضا نیک نژاد نیز در شرایط غیر انسانی در زندان نگه داشته شده اند. عضو کمیته اجرایی اتحادیه مثال در پایان تاکید کرده است که "از شما میخواهیم که با آزادی همه این زندانیان سیاسی، به حقوق پایه ای کارگران و مردم، به حق کارگران برای متشکل شدن در تشکلهای اتحادیه های مورد نظر خود، حق قرار داد جمعی، و حق اعتصاب برای بهبود شرایط خود احترام بگذارید. کارگران و همه مردم کارکن بدون قید و شرط دارای حق تشکل، حق اعتصاب، حق اعتراض، و تشکل برای مقابله با ظلم و بی حقوقی و فقر میباشد."

کمیسیون برای آزادی کارگران زندانی
۲۹ خرداد ۹۵
۱۸ ژوئن ۲۰۱۶

بیانیه جمعی از دانشجویان، معلمان و کارگران کولبر مرز نوسود در حمایت از جعفر عظیم زاده

سرمایه داری از بدو پیدایش حامل نابرابری و ستم علیه طبقه ایست که خالق تمام امکانات بوده اما خود از ابتدایی ترین این امکانات محروم است. اعتراضات و مبارزات مستمر طبقه ی کارگر در راستای رفع نابرابری ها و بدست آوردن زندگی شایسته همیشه با سرکوب مواجه بوده است. در ایران نیز سیستم سرمایه داری روز بروز بیشتر به سفره ی کارگران و محرومان دست درازی کرده و اعتراضات کارگران با احکامی ناعادلانه چون شلاق زندان تبعید و تهدید روبرو بوده است. در اعتراض به سرکوب و استثمار و در دفاع از خواست های انسانی طبقه ی کارگر جعفر عظیم زاده فعال کارگری به اتهام واهی اقدام و تبانی علیه نظام به شش سال حبس تعزیری محکوم شد. در اعتراض به این حکم ناروا که امروز پنجاه دومین روز اعتصاب غذایش را پشت سر گذاشت ضمن پشتیبانی از خواست های جعفر عظیم زاده اعلام میکنیم که مسئولیت هر گونه تهدیدی که سلامت و جان او را به خطر اندازد با

از صفحه ۴ نگاه هفته مجموعه اخبار ...

سیستم سرمایه داری حاکم است. ما جمعی از کارگران کولبر، معلمین و دانشجویان منطقه ی نوسود خواستار آزادی بی قیدو شرط جعفر عظیم زاده و رفع تمام اتهامات علیه او می باشیم. جمعی از کارگران کولبر، معلمین و دانشجویان منطقه ی نوسود... منبع: سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران

وقتی اراده مغرورانه
ظلم را به سخره می گیرد

عزیز قاسم زاده

جعفر عظیم زاده اینک تمام معیارهای مقاومت را هم در هم کوفته و به نقطه ای ویژه کوچیده. نقطه ای که تنها متعلق به وجود آرمان طلبی است که صدایش در آستانه پنجاهمین روز اعتصابش نه تنها کمترین خلل و تردیدی در او راه نیافته، که دلیرانه و سرافرازانه چنان استوار و محکم همه ی قانون شکنان و ظالمان را با کلام عظیمش که تنها مختص عظیم زاده است، به بازی عاشقانه ی قمار سخت و طاقت فرسای خویش گرفته وقتی صدای جعفر به گوش آدمی می رسد شوقی وصف ناپذیر وجود آدمی را تسخیر می کند که آرزوهای سرزمین ما هنوز کمان عدالت را به درست ترین و دورترین نقطه پلشتی های بی امان، عاشقانه برای گسترش عدل و مهر می جهانند. امروز اما اعتصابش از مرز پنجاه گذشت و کار جعفر دلوار ما به بیمارستان کشید. جسم نازنین او دیگر طاقت این همه رنج را نداشت. چشمانش ششویایش توان حرکتش همه در اثر این اعتصاب سخت و صعب از کار افتاده است. با این وصف دلوار ما همچنان بر مواضع حق طلبانه اش مصر است. اما آنچه که جای تاسف عمیق است تماشای سردمدارانی است که از قصه های پر طمطراق عدالت تا توانسته اند بر منبرها خوانده اند اما چشم خویش در پایین این منبرها بر تمامی ستم ها بسته اند. گاه خود هم در توزیع این ظلم نقش داشته اند یا به همراهی با آن نشسته اند. جعفر عظیم زاده به نقطه ای فوق نگران کننده رسیده است. شگفتا آن سو تر پاره ای از نمایندگان تازه بهارستان در هتل های پنج ستاره مستقر شده

منبع: سایت

اتحادیه آزاد کارگران ایران

رفتم به دیدنش

(قاسم فلاح معلمی از اسلامشهر)

باسلام. شنیده بودم که او در بیمارستان سینا بستری شده است. به همین خاطر امروز صبح عزم خود را جزم کردم که بروم و او را ملاقات کنم. در برخورد اولیه علی رغم ضعف و بی حالی شدید که در اثر ۵۲ روز اعتصاب غذا حسابی لاغر شده بود او با بی حالی شدید از جایش بلند شد و من را در آغوش گرفت و از آمدن یک معلم بر بالینش بسیار خوشحال شد. در این مدت کم ملاقات (شاید ۱۵ دقیقه) او همچنان از ادامه کار خود مبنی بر اعتصاب غذا بطور نامحدود حرف می زد. مقاومت او واقعا ستودنی است. نمی دانم کار او درست است یا نادرست. از یک طرف او راهی رفته است که به حق درست است. دفاع از حقوق چند میلیون کارگر که توسط کارفرماها در حال نابودی یا استثمار است و دفاع از خود برای برداشته شدن اتهام امنیتی و از طرف دیگر جان خودش در خطر است. کبد و کلیه هایش آسیب دیده است. هر آن احتمال خطر سخته مغزی یا قلبی وجود دارد. اینجاست که بین دو واقیت

قراری می گیریم، واکنش حکومت هم نسبت به اعتصاب او تا الان بی نتیجه بوده است. نهاد های حکومتی ظاهرا از جامعه معلمین بیشتر از جامعه کارگری حساب می برد. آقا جعفر با اون حالش برای من تعریف می کرد که علت این موضوع اینست که شما معلمین انسجام بیشتری دارید. روحیه بالای او مرا به وجد می آورد. او می گفت من از سال های اول انقلاب از شما معلمین خیلی چیزا یاد گرفتم. او می گفت معلمین به من درس شجاعت و پایداری یاد دادند. خلاصه تواین مدت کم او با ناخوشی و ضعف زیاد حاضر نشد روی تخت دراز بکشد و به احترام من تقریبا نشسته با من صحبت می کرد. از او خواهش کردم که به خاطر سلامتی خود و خانواده و همسر محترمشان دیگر به اعتصاب خود پایان بدهید. به او گفتم که دنیا صدا تو شنید. اما او گفت نه. من راهی را که با اسماعیل عابدی شروع کردم ادامه می دهم. جعفر عظیم زاده فعال کارگری یک انسان وارسته از هر چیزی است. او ۵۲ روز است لب به غذا نبرده است. او ۵۲ روز است فقط آب و چای می خورد. ۱۷ کیلو لاغر شده است. اما ایستاده است. مقاومت کرده است. همسر شجاع او نیز در این مدت پایه پای او با او بوده است. او مرا بر بالین همسرش برد. باید به او نیز بابت داشتن چنین مرد شجاعی تبریک گفت. کم کم باید می رفت. صدای پیچ سه سرپاز می آمد که زودتر باید بروم. از او خدا حافظی کردم. او از دیدن من خیلی خوشحال بود. وقتی خود را به عنوان معلم معرفی کردم صورتش را با عشق بوسید. موقع خداحافظی نیز همینطور بود. ناخدا گاه اشکم جاری شد. او در آخر جمله ای به من گفت که اتحاد معلم و کارگر باید حفظ شود. و من بعد از خدا حافظی از او و در مسیر بازگشت به خانه به این ملاقات فکر می کردم و امروز را جز یکی از بهترین روزهای زندگی خود می دانم. به امید آزادی جعفر عظیم زاده. لطفا برای آزادی او هر کاری می توانید دریغ نکنید.

قاسم فلاح معلمی از

اسلامشهر ۳/۳/۹۵.

برگرفته از سایت

اتحادیه آزاد کارگران ایران

از صفحه ۱ چه تضمینی هست که ...



هفتادی و هشتادی در شبکه های اجتماعی به اشتراك گذاشتند و قرار ملاقات تعیین کردند و جمعیتی چند هزار نفری را به وعده گاه گسیل داشتند. چه کسی فکرش را می کرد ناگهان جمعیت زیادی از دختر و پسرهای ۱۶-۱۵ ساله، به مرکز خریدی در غرب پایتخت هجوم ببرند. و در کمال تعجب کسبه و اهالی محل، بی هدف و بی عار پله ها را بالا و پایین کنند، شلوع کنند، سلب آسایش کنند و آخر سر هم نیروی انتظامی برای متفرق کردن ۲-۳ هزار نفر وارد عمل شود؟ شاید در نگاه اول ماجرا کمیک و طنز به نظر برسد اما با کمی تأمل، پرسش های زیادی در ذهن ایجاد می شود. زمانی با یک دعوتنامه ساده که در شبکه های اجتماعی ویژه تین ایچرها- گروه تلگرامی شاخا و پلنگا و پرنسا (۱) - دست به دست می شود، جمعیتی چند هزار نفری دور هم جمع می شوند، اسباب زحمت درست می کنند، گره ترافیکی منطقه را کور می کنند، مردم را از کار و زندگی می اندازند و کاری هم از دست کسی بر نمی آید، چه تضمینی هست که فردا و فرداها اتفاقات بغرنجی در جریان نباشد؟

گردهمایی و حضور چند هزار نفری جوانان بفرآخوان شبکه های اجتماعی ویژه تین ایچرها- گروه تلگرامی شاخا و پلنگا و پرنسا ترس و وحشت نظام جمهوری اسلامی در ایران را از خیزش توده ای و پاکسازی فرهنگ و قوانین اسلامی و مذهبی را بیشتر از هر زمانی کرده است.

راه حل های عهد عتیقی نظام اسلامی تحت عنوان «آشتی دادن جوان ها با رسانه های داخلی» و بزعم آنها با «صدا و سیما» نشانه عجز و ناتوانی رژیم است که بیش از ۴ دهه با هزینه های میلیونی و میلیاردری، با دستگاه قضایی اسلامی و با سرکوب در راه استقرار اسلام و مذهب و اسلامی کردن مردم در ایران خرج کرده، ناکام شده است!

نزدیک چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی معنی واقعی اسلام و قوانین اسلامی را به همه مردم شناسانده است و اکثریت عظیم جامعه را از اسلام رویگردان کرده است. جوانان در صف مقدم این رویگردانی و با پشت کردن به قوانین اسلامی - مذهبی با بکارگیری فعال و خلاق میثیای اجتماعی در صف اول قرار گرفته اند.

روزنامه وطن امروز نوشته؛ >>

یادداشت‌های هفته / عبدالغفریان

اقدامی قابل تحسین در کار هنری



هوشنگ کامکار، یکی از اعضای شورای عالی خانه موسیقی ایران و سرپرست گروه موسیقی کامکارها گفته است: "این گروه موسیقی معتبر ایرانی، به هیچ دلیلی تن به برگزاری کنسرت بدون نوازندگان و هم خوانان زن، نمی دهد. اگر نهادهای شهر اصفهان یک میلیارد دلار بخواهند به کامکارها بدهند و بگویند بیایید کنسرت بدهید اما بدون صبا و قشنگ وهانا ما کنسرتی برگزار نمی کنیم. ما نوازنده خانم داریم، همخوان خانم داریم و هیچ وقت زیر بار این نمی‌رویم که این عزیزان را از روی صحنه پایین بکشیم و بگوییم که حالا شما روی صحنه نروید بگذارید کنسرت را برگزار کنیم تا پولمان از بین نرود. هر جایی که امکان داشت با همین افرادی که هستیم کنسرت می‌دهیم، اگر چنانچه نگذاشتند کنسرت نمی‌دهیم دیگر به آن خانم گروه نمی‌گوییم شما از روی صحنه پایین بیا، این بزرگترین توهینی است که یک خواننده به آن گروه می‌کند."

هوشنگ کامکار همین موضوع را دلیل محدودیت اجراهای داخل کشور گروه کامکارها دانست و توضیح داد: "مثلا ما سال گذشته به شهرکرد رفتیم و یکی از بهترین اجراهایمان بود. نزدیک اصفهان هم هست و تعداد زیادی هم از اصفهان آمده بودند. مشخصا جاهایی که امکان کنسرت نداریم نمی‌رویم!"

.....

بیش از سه دهه و نیم است که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی هر آنچه که بوی هنر، موسیقی، شادی، رقص و بویژه صدای خواننده زن را بدهد ریشه بر

تن حاکمان اسلامی می‌اندازد. برای اسلام موجودیت انسانی زن، صدا و موی او بخودی خود کیان اسلام را بخطر میاندازد. یکی از این میدانها ترانه سرایی و خواندن آواز و نواختن سازهای موسیقی است که اسلام بقدمت ظهور و موجودیتش از هر گونه صدا و نوایی که از حنجره زنان چه به تنهایی و چه بصورت همخوانی در کنار مردان اجرا شده باشد از آن واهمه و هراس داشته است.

حضور زنان در عرصه، آواز، ترانه و اجرای کار هنری طی سالیانی که حکومت اسلامی بر ایران حاکم بوده است، میدان و عرصه ای از رویارویی موسیقی آنهم با حضور زنان در تقابل با جمهوری اسلامی بوده است. جمهوری اسلامی همانند دیگر عرصه های تقابل سیاسی و اجتماعی در جامعه که بارها پوزه اش بخاک مالیده شده است، در زمینه هنر و موسیقی نیز بخصوص وقتیکه زنان بطور برجسته ای ابراز وجود میکنند شکستهای زیادی متحمل شده است. بجالش کشیده شدن فرهنگ و سنتهای عقب مانده عصر حجری اسلامی از سوی جوانانی که با اقتباس از فرهنگ غربی و در گروههای زیرزمینی فعالیت دارند یکی از آنها است.

تلاش جمهوری اسلامی برای به انقیاد درآوردن عرصه کار هنری نه تنها در میان زنان بلکه سبک موسیقی مدرن و یا حتی سنتی ترین نوای آواز و موسیقی هنرمندان، خوانندگان و نوازندگان در میان مردان نیز نه تنها هیچگاه موفق نبوده است، بلکه رواج و گسترش موسیقی در هر شکل و شمایلی پایه های فرسوده نظام جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر دچار شکاف و فرو ریختن کرده است. فرقی نمیکند که موسیقی و اصولا کار هنری متعلق به هنر نو، سبک پاپ، راک یا هر سبک غربی باشد یا اینکه قدیمی ترین ترانه های دوره مشروطیت بوده باشد. اسلام و جمهوری اسلامی ذاتا و ماهیتا در تقابل با هر آنچه که به اسم هنر ارائه میشود قرار دارند. هم جنسان جمهوری اسلامی نظیر دولت

اسلامی عراق و شام (داعش) که قدیمی ترین آثار هنری سده های گذشته را در موصل، سنگال و مناطقی در سوریه را منفجر کردند و از بین بردند، با جمهوری اسلامی که تا مغز استخوان در ضدیت با هنر، موسیقی و رقص و شادی است و باندهایش را علیه شاد زیستن بسیج میکند از يك منبع الهام میگرد و آنهم فرهنگ، سنت و فرامین بغایت عقب مانده و ضد انسانی اسلام ناب محمدی است. حمایت هنرمندان از حضور زنان و ایفای نقش هنری آنان در موسیقی و در تمامی عرصه های دیگر ارزشمند و عمیقا قابل تحسین است.

۳۰ خرداد ۹۵

دو روی یک سکه در ضدیت با مهاجرین عراقی



روز جمعه ۱۷ ژوئن انجمن استان سلیمانیه در کردستان عراق با ارائه طرحی اعلام کرد که آوارگان عراقی که در کردستان عراق ساکن هستند، میتوانند با خریداری زمین اقدام به احداث ساختمان برای سکونت خود کنند. بدنبال اعلام این تصمیم دو تن از اعضای پارلمان از موضوعی راسیستی علیه مهاجرین عراقی سخنرایی کردند و متعاقب آن و نهادهای تحت عنوان "نهاد جامعه مدنی" که خود را مدافع "اصالت کرد و کردستان" مینامد در مقابل این طرح واکنش نشان داده و آنرا بعنوان طرحی که در آینده موجب تبدیل شدن جغرافیای کردستان عراق به محل سکونت "عربها" خواهد شد با آن به مخالفت برخاسته و در همین رابطه روز یکشنبه ۱۹ ژوئن تعداد انگشت شماری از مخالفین وابسته به این نهاد علیه این طرح دست به تجمع اعتراضی زدند.

مدافعین این طرح که از سوی کاربدستان بالای حکومت اقلیم در انجمن استان سلیمانیه تهیه و تنظیم

شده است، برای متقاعد ساختن مخالفین، طرح خود مبنی بر خرید مسکن یا سکونت دائمی مهاجرین عراقی را نه از سر حمایت و یا توجه به شرایط فلاکتناز زندگی آنان بلکه برای استفاده از نیروی کار ارزان مهاجرین عراقی بمنظور، رشد، شکوفایی و توسعه پروژه های حکومت اقلیم و آباد کردن کردستان عراق عنوان کرده اند.

اظهارات مقامات انجمن شهر سلیمانیه همان سیاستهای کپی شده بیش از سه دهه از عملکردهای جمهوری اسلامی در قبال مردم فراری و آواره از جنگ در افغانستان است. حکومت اقلیم کردستان نیز طی ۲۵ سال حاکمیت خود بیش از سی هزار نفر از کارگران پناهنده از کشورهای جنوب شرقی آسیا و کارگرانی از چند کشور آفریقایی را که در کردستان عراق ساکن هستند بکار گرفته و از حضور آنان بعنوان نیروی کار ارزان استفاده میکند تا جایکه حکومت اقلیم از قبل نیروی کار ارزان کارگران مهاجر، کردستان عراق را به بهشتی سود آور برای کاربدستان حکومت و سران احزاب حاکم تبدیل کرده است.

متأسفانه مخالفت آندسته از ناسیونالیستهایی که با اسم "نهادهای جامعه مدنی" در قبال این مسئله به نژادپرستی رجعت کرده و خوشبختانه تعدادشان اندک و قابل شمارش است هیچ تفاوتی با طرح، سیاست و عملکرد انجمن شهر سلیمانیه در قبال مهاجرین عراقی ندارد. هر دو برخورد موافق و مخالف از یک آبشخور مایه میگیرند.

اولی راسیستی و دومی استثمار کننده علیه مهاجرین و مردم آواره و فراری از جنگی تحمیل شده توسط حاکمان قومی اسلامی در بغداد و منطقه است. برخورد مخالفین و موافقین این طرح دو روی سکه ای است که در ضدیت با مهاجرین عراقی قرار دارد.

کسانی که با نام "نهاد جامعه مدنی" به چنین موضع ضد

مهاجرین عراقی در غلطیده اند باید بخود آیند و متوجه باشند که موضع راسیستی آنان که متأثر از اظهارات دو تن از نمایندگان قومی و اسلامی پارلمان که در تلویزیون "روداو" در برنامه (همراه با رنج) پخش شده است قرار نگیرند. اسم نهادهای تحت عنوان "نهاد جامعه مدنی" بخودی خود در تقابل با مواضع گرداننده گان آن است. نمیتوان هم اسم خود را مدافع جامعه مدنی نهاد و همزمان علیه مدنیت و حقوق شهروندی ایستادگی کرد.

تمامی پناهندگان و مهاجرین ساکن در کردستان عراق در نتیجه جنگ و خانه خرابی، از سوی دستجات و باندهای اسلامی، قومی و فرقه ای به چنین سرنوشتی دچار شده اند. سازمانها، نهادها و دیگر جریانهای سکولار، چپ و مترقی در کردستان عراق وظیفه دارند در قبال هر گونه تحقیر و توهین از سوی عده ای مرتجع و نژادپرست و همچنین سواستفاده کاربدستان حکومت اقلیم کردستان از نیروی کار ارزان پناهندگان و مهاجرین واکنش نشان داده و از حقوق شهروندی آنان دفاع و حمایت کنند. مردم آواره، مهاجر و ساکن در کردستان عراق منتسب به هر ملیتی، باید بعنوان شهروندان متساوی الحقوق برسمیت شناخته شوند. بی گمان مردم آزادیخواه و برابری طلب کردستان عراق همانگونه که تاکنون نشان داده اند، از حقوق، کرامت و حرمت انسانی و شهروندی پناهندگان و مهاجرین در کردستان عراق حمایت خواهند کرد و اجازه نخواهند داد که تعدادی تحت تاثیر اظهارات دو تن از نمایندگان پارلمانی وابسته به اتحادیه میهنی و اتحادیه اسلامی با ایجاد فضا سازی در ضدیت با مهاجرین و همسویی با طرح ضد انسانی مقامات حکومتی در انجمن شهر سلیمانیه علیه مهاجرین را به نرم تبدیل کنند.

۱۹ ژوئن ۲۰۱۶

زنده باد انقلاب انسانی
برای جامعه ای انسانی!

در پاسخ به فراخوان کمک مالی به حزب

در پاسخ به فراخوان حزب برای یک کمپین ۵۰ هزار دلاری تاکنون مبلغ ۱۷۹۳۰ دلار جمع آوری شده است. هنوز ۳۲۰۷۰ دلار دیگر باقی مانده است که امیدواریم به همت دوستداران حزب و کانال جدید نه تنها این مبلغ بلکه خیلی بیشتر از این مبلغ جمع آوری شود.

با قدر دانی از دوستانی که تاکنون به این فراخوان جواب داده اند:

هفته دوم:	
سیامک امجدی	۵۰ پوند
بابک یزدی	۵۰۰ دلار
صابر رحیمی	۵۰۰۰ کرون
داود رفاهی	۷۰ پوند
سیما بهاری	۵۰۰۰ کرون
هرمز و سارا	۵۰۰۰ کرون
رحیم یزدانپرست	۵۰۰۰ کرون
جمیل فرزاد	۵۰۰۰ کرون
شاهو پیر خضران	۵۰۰۰ کرون
دوستدار حزب	۱۰۰۰ کرون
مهین کابلی	۱۰۰ یورو
محسن ابراهیمی	۲۰۰ دلار
کمیتبه فرانکفورت	۷۵۰ یورو
تهمین تارا	۵۰ پوند
هیوا احمد	۱۰۰ پوند
تهمین گرشاسبی	۵۰ پوند
صحرا	۵۰ پوند
شهلا دانشفر و کاظم نیکخواه	۱۰۰ پوند
امید امیدوار	۱۲۳۰ پوند
ناهد فرید و علی یاور	۱۰۰۰ کرون
عباس زمانی	۱۰۰۰ کرون
فاضل نادری	۵۰۰ کرون
شیرین بهرامی	۵۰۰ کرون
واحد حزب در مالمو	۳۰۰۰ کرون
امیر زاهدی	۵۰ دلار
آرش ناصری	۵۰ دلار
سحر آزاد	۵۰ دلار
یلنی محمودی	۱۰۰ دلار
بهرام کلاه زری	۱۰۰ دلار
محمد و منیر کاظمی	۵۰۰ دلار
فاتح بهرامی	۲۰۰ دلار
عبدالعظیم ماتور	۲۰ یورو
کوروش نیکخواه	۲۰ یورو
شهلا خباززاده	۵۰ یورو
اسماعیل هدفمند	۳۰ یورو
میثا احنی و محمد آسنگران	۳۰۰ یورو
حبیب بکتاش	۱۰۰ دلار
فروغ ارغوان	۵۰ دلار
مسعود فرزانه	۵۰ دلار
حسین احملی	۱۰۰ دلار

جمع کمک در هفته دوم ۹۰۰۰ دلار

جمع کمک در دو هفته گذشته ۱۷۹۳۰ دلار

از صفحه ۳ تنش و صف بندیهای جدید...

حکومت اقلیم با دولتهای منطقه و دولتهای غربی، خواهان برگزاری رفراندوم بمنظور کسب استقلال کردستان عراق شوند. این خواست راه حل اساسی در پایان دادن به بن بست و بحران موجود است. قطعا حکومت استقلال یافته کردستان عراق نه در دست احزاب و حکومت

حزب کمونیست کارگری: ما روی شما حساب میکنیم! اعلام کمپین جمع آوری ۵۰ هزار دلار کمک مالی

حزب کمونیست کارگری برای تأمین مالی فعالیت های خود نیاز فوری به کمک های شما مردم شریف و آزادیخواه دارد. این حزبی است که بطور خستگی ناپذیر علیه جمهوری اسلامی و برای حرمت و رهایی انسان در عرصه های مختلف مبارزاتی در داخل و خارج کشور تلاش میکند. انجام چنین فعالیت گسترده ای با ابزارهای لازمه آن، نظیر تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید، جز به همت و فداکاری کادرها، اعضا و دوستان حزب، از جمله در تأمین هزینه های مالی آن، ممکن نبوده و نیست. اکنون حزب در یک وضعیت دشوار مالی قرار گرفته و نیاز فوری به جمع آوری حداقل ۵۰ هزار دلار برای تأمین کسری خود دارد. از شما دعوت میکنیم ما را در تهیه این مبلغ یاری کنید. از شما تقاضا میکنیم که تأمین مالی فعالیتهای حزب را جزو هزینه های ضروری خود قرار دهید. از طریق تماس مستقیم با تشکیلات ها و

فعالین حزب و یا از طریق شماره حسابهای زیر هر قدر که میتوانید کمک مالی کنید. هر دلار و یورویی که برای تأمین مخارج حزب جمع کنید و یا بپردازید، کمک میکند تا صف اعتراض کارگری، صف آزادی و برابری را در مبارزه علیه حکومت آیت الله های میلیاردر تقویت کنیم. حزب کمونیست کارگری ایران ۱۲ خرداد ۱۳۹۵ ۱ ژوئن ۲۰۱۶ شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden
Post Giro: ۶۳۹ ۶۰ ۶۰-۳
account holder: IKK

آلمان:

Germany
Rosa Maj
Post Bank Köln
Konto. Nr ۵۸۳۶۵۷۵۰۲
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۵۰
Post Bank Köln
IBAN: DE۵۷ ۳۷۰۱ ۰۰۵۰ ۵۸۳ ۶۵۷۵ ۰۲
BIC: PBNKDEFFxxx

کانادا:

Canada
ICRC
Scotiabank
Dixie Rd, Mississauga ۴۹۰۰
L۴W ۲R۱
Account #: ۸۴۳۹۲ ۰۰ ۲۶۹ ۱۳

هلند:

Bank: RABOBANK
Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: ۱۵ ۱۳۵۰ ۲۴۸
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL۷۴ RABO ۰۱۵۱ ۳۵۰ ۲۴۸

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳
account holder: WPI
branch: Wood Green
Bank: NatWest
IBAN: GB۷۷ NWBK ۶۰۲۴ ۲۳۴۵
BIC: NWBK GB ۲L

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید :

از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰ ۴۶۷۳۹۸۶۸ ۰۵۱

از ایران:

شهلا دانشفر ۰۰ ۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

عبدل گلپریان ۰۰ ۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

۲۰ ژوئن ۲۰۱۶

از صفحه ۱ اخبار هفتگی از رویدادهای ...

کرده و به آنها اجازه نداده که به اربیل برگردند. نوشیروان مصطفی هم که به تازگی از معالجه در خارج برگشته ظاهراً با امضای توافقنامه ای با اتحادیه میهنی به تهدیدی علیه حزب دمکرات بدل شده و حزب دمکرات هم برای تحکیم موقعیت خود به داگاههای خود ساخته اشان مراجعه کرده و حکم دستگیری او را صادر کرده است. بهرحال امروز از هر زمان روشنتر است که جنبش گوران به رهبری نوشیروان مصطفی که چند سال پیش و با شعار "مبارزه با فساد و دزدی" از اتحادیه میهنی جدا شد و رای بسیاری از مردم را بسوی خود جلب کرد نه آنگاه و نه امروز دردشان مبارزه با دزدی و فساد نبوده، اینها بخش ناراضی از جنبش ناسیونالیستی حاکم بودند و تنها به دنبال سهم خواهی بیشتر از صفره دزدی و چپاولی است که به راه انداخته اند. اکنون هم صدور حکم دستگیری نوشیروان مصطفی تنها نشان از بی کفایتی احزاب ناسیونالیست حاکم را دارد، و اگر قرار باشد مجرمین و دزدان را دستگیر و محاکمه کنند، رهبران حزب دمکرات و از جمله مسعود بارزانی، اتحادیه میهنی و دو گروه اسلامی در قدرت هم دست کمی از نوشیروان مصطفی ندارند.

اعتراض زندانیان سیاسی دوران حکومت صدام به نپرداختن حقوقهایشان!

روز دوشنبه ۲۰ ژوئن بخشی از زندانیان سیاسی که در زمان حکومت بعث عراق در زندان بودند در اعتراض به نپرداختن حقوقهایشان در مقابل یکی از مخوفترین زندانهای حکومت بعث در شهر سلیمانیه به اسم "نه مننه سوره که" دست به اعتراض زدند و سه روز به حکومت اقلیم فرصت دادند تا حقوقهای معوقه اشان پرداخت شود. زندانیان می گویند در ده ماه گذشته تنها حقوق دو ماه خود را دریافت کرده اند. یکی از زندانیان سیاسی گفت "ما از اهداف شوم حکومت باخیریم که می خواهند حقوقمان را قطع کنند، این برخلاف قانون است و بی تعهدی

نسبت به کسانی که قبلاً تلاش و مبارزه کرده اند و اینها را سر کار آوردند". پارلمان اقلیم در سال ۲۰۱۱ قرار می داد که تصویب کرد که همه زندانیان سیاسی دوران حکومت بعث که بیش از شش ماه در زندان بوده باشند ماهانه و به مدت ده سال، ماهی ۵۰۰ هزار دینار عراقی دریافت خواهند کرد، اما اکنون زندانیان می گویند حکومت با پرداخت نکردن حقوقهایشان بیم آن می رود که کلاً حقوقها را قطع کنند.

کمبود آب در شهر سلیمانیه!

کمبود آب در شهر سلیمانیه یکی از مشکلات جدی شهروندان این شهر است که بارها مورد اعتراض مردم قرار گرفته. روز ۱۹ ژوئن انجمن استان سلیمانیه طی بیانیه ای اعلام کرده که طبق گزارشی از معاون حکومت اقلیم قرار است که بودجه کافی برای تامین آب شهر در نظر گرفته شود. لازم به ذکر است که در فصل گرما مشکل آب و برق به مشکل بسیاری جدی برای شهروندان شهر سلیمانیه تبدیل می شود و احزاب ناسیونالیست حاکم پس از ۲۵ سال از حاکمیت خود هنوز هم نتوانسته اند بر این مشکلات فائق آیند و به نظر می رسد که اعلام ترخیص بودجه کافی از طرف معاون حکومت یعنی قباد طالبانی بیشتر جنبه تبلیغاتی و اشاره به اختلافات احزاب حاکم و بویژه اتحادیه میهنی و حزب دمکرات دارد تا تلاشی جدی برای رفع کمبود آب مردم شهر سلیمانیه.

آمار بالای فرار مردم از اقلیم کردستان!

بر اساس گزارشی از فدراسیون پناهندگان عراقی، از اوائل سال ۲۰۱۵ تا هم اکنون بیش از ۳۸ هزار نفر از مردم اقلیم کردستان به امید بدست آوردن زندگی بهتری، اقلیم را ترک کرده اند. این خبر می افزاید که از این تعداد ۳۹۳ نفر تا هم اکنون در راه رسیدن به اروپا جانشان را از دست داده اند که جنازه بخشی از آنان هنوز هم پیدا نشده

است. همچنین این خبر می افزاید که هم اکنون بیش از ۱۰۵۰ پناهجو در زندانهای یونان در بازداشت بسر می برند.

خطرات کمپانیهای نفتی برای محیط زیست!

در باره خطرات کمپانیهای نفتی که پالایش نفت را به عهده گرفته اند، مسئول حفاظت محیط زیست سلیمانیه می گوید، کمپانیهای پالایش با وجود اینکه به هیچکدام از راهنمائی های محیط زیست پایبند نبوده اند، اما همچنان تعداد زیادی از آنها مشغول به کارند و این خطرات جدی را برای محیط زیست ایجاد کرده. رئیس حفاظت محیط زیست می گوید در سال ۲۰۱۵ به همه کمپانیهای پالایش نفت ده روز فرصت داده شد تا با رعایت کامل محیط زیست فعالیتها را از سر گیرند وگرنه باید بسته شوند، اما یکسال از آن تاریخ می گذرد و هنوز هم بسیاری از کمپانیها مشغول کارند و این خطرات جدی را برای محیط زیست ایجاد کرده است. لازم به ذکر است که در اقلیم کردستان صدها کمپانی نفتی بدون رعایت کوچکترین مسائل محیط زیستی مشغول بکارند، نه تنها این بلکه بسیاری از کمپانیها که اکثراً وابسته به احزاب و سران مفت خور آنها هستند غیر قانونی ایجاد شده اند و از همان قوانین سوری خودشان هم برخوردار نیستند.

اعتراض بخشی از فروشندگان یکی از بازارهای اربیل!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روز ۱۹ ژوئن بخشی از فروشندگان بازار اربیل در اعتراض به قطع برق دولتی دست به اعتراض زدند و خواهان از سرگیری برق برای مغازه هایشان شدند. گفته می شود که دولت بدون هیچ اطلاع قبلی برق دولتی مغازه ها را قطع کرده و اکنون فروشندگان باید خود اقدام به تهیه برق برای مغازه هایشان بکنند.

فرار ۲ هزار نفر از مردم تحت کنترل داعش!

بر اساس گزارشهای منتشر شده روزهای ۱۷ و ۱۸ ژوئن بیش از دو هزار نفر از مردم گبیر افتاده در مناطق تحت حاکمیت داعش از

مسیر جبهه مخمور خود را تحویل نیروهای پیشمرگ اقلیم کردستان دادند. لازم به ذکر است که مردمی که گرفتار دست نیروهای جنایت پیشه داعش در عراق و سوریه شده اند هر گاه که توانسته اند دسته جمعی از مناطق تحت حاکمیت آنها گریخته و خود را به نیروهای مقابل تسلیم می کنند. همچنین بارها دیده شده که جنایتکاران داعش از مردم بی دفاع بعنوان سنگرهای مقاومت و یا به اصطلاح سپر بلای خود استفاده کرده اند. طبق قوانین کثیف و غیر انسانی داعش فرار مردم بی دفاع از مناطق تحت حاکمیت خود با مجازات مرگ روبرو می شود و تا هم اکنون هم صدها نفر تنها به جرم فرار از مناطق جنگ زده را تیرباران کرده اند.

جلسه اتحادیه میهنی با نمایندگان کشورهای خارجی در اقلیم!

بر اساس گزارشهای منتشر شده

روز دوشنبه ۲۰ ژوئن هیئتی از اتحادیه میهنی در شهر اربیل با نمایندگان روسیه، آمریکا و برخی از کشورهای اروپائی جلسه ای برگزار کردند. این گزارش می افزاید که در این جلسه ملا بختیار عضو دفتر سیاسی این حزب در باره توافقنامه اتحادیه میهنی و گوران صحبت کرده و قباد طالبانی هم در باره اوضاع اقتصادی. این جلسه بر اساس درخواست اتحادیه میهنی از نمایندگان این کشورها برگزار شده. لازم به ذکر است که احزاب حاکم در بحرانی عمیق سیاسی و اقتصادی گیر کرده اند و بویژه حزب دمکرات که کنترل بخشهای مهمی از دولت را در اختیار دارد احزاب رقیب و از جمله اتحادیه میهنی و گوران را کاملاً تحت فشار قرار داده و احتمالاً این جلسه هم برای تحت فشار قرار دادن حزب دمکرات از طرف این دولت صورت گرفته باشد.*

کمیسیون
برای آزادی کارگران زندانی در ایران

احکام زندان
همه فعالین کارگری
باید فوراً لغو شود!

FREE THEM NOW!

باید آزاد شود!
باید آزاد شود!
باید آزاد شود!

محمد علی زاده
محمد چرخچی
بهنام زانده
علیرضا هاشمی

محمد زاهدی
اسماعیل عبیدی
دیسول بدلی

عبدالله اسماعیلی
محمد رضا یحیی نژاد
رضا شهبانی
محمد یوسفی

داوود رشیدی
محمد صالحی
محمدی

Iran out of ILO!

جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود!

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

تلفن و ای مایل آدرسی تماس با سردبیر
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!